

رولف دووبلی

هنر شفاف اندیشیدن

ترجمہ

عادل فردوسی پور

بہزاد توکلی

علی شہروز



مؤلف: رولف دوبلی، ۱۹۶۶م

Dobelli, Rolf

عنوان و نام پدیدآور: هنر شفاف اندیشیدن / رولف دوبلی، ترجمه‌ی عاقل فرافوسی پور، پیمان توکلی، علی شهروز

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۱۹ ص.

شابک: 978-600-229-794-5

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

یادداشت: عنوان اصلی: Kunst des klaren Denkens

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان The art of thinking clearly به فارسی برگردانده شده است.

موضوع: استدلال (روانشناسی)

موضوع: Reasoning (Psychology)

موضوع: Errors -- Psychology aspects

موضوع: اشتباه‌ها -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: تصمیم‌گیری

موضوع: Decision making

موضوع: شناخت (روانشناسی)

موضوع: Cognition

شناسه‌ی افزوده فرافوسی پور، عادل، ۱۳۵۳، مترجم

شناسه‌ی افزوده توکلی نیشابوری، بهزاد، ۱۳۶۹، مترجم

شناسه‌ی افزوده شهری ستوده علی، ۱۳۷۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵-۹-۸۶-۸۶۴۲۲/BF

رده‌بندی صلیبی: ۱۵۳/۲۲

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۴۸۹۶۱۰



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: علوم انسانی - مدیریت

هنر شفاف اندیشیدن

رولف دوبلی

ترجمه‌ی عادل فردوسی‌پور

علی شهروز ستوده

بهزاد توکلی نیشابوری

مدیر هنری: مجید عباسی

لینوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

چاپ اول جیبی (چاپ سی و پنجم کتاب): زمستان ۱۳۹۵، تهران

چاپ دوم جیبی (چاپ سی و هشتم کتاب): زمستان ۱۳۹۵، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۷۹۴-۵

تلفن دفتر انتشارات نشر چشمه:

۸۸۹۱۲۱۸۴-۵

دفتر فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابورحمان، خیابان وحید مطهری، شماره‌ی ۳۵

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نشانی میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷-

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کوروش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نشانی خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴-

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نشانی خیابان فخار مقدم،

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲-

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵-۷

فهرست

- ۱۱ مقدمه بر ترجمه‌ی فارسی
- ۱۳ مقدمه
- ۱۹ ۱. چرا باید به قبرستان هاسری پزنی؟
- ۲۲ ۲. آیا دانشگاه هاروارد شما را باهوش‌تر جلوه می‌دهد؟
- ۲۵ ۳. چرا البرها را به شکل‌های مختلف می‌بینی؟
- ۲۸ ۴. اگر پنجاه میلیون نفر چیز احمقانه‌ای بگویند، آن چیز کماکان احمقانه است.
- ۳۱ ۵. چرا باید گذشته را فراموش کنی؟
- ۳۳ ۶. نوشتن‌های مجانی را قبول نکن.
- ۳۶ ۷. مراقب «موارد استثنا» باش.
- ۳۹ ۸. جگرگوشه‌های خردت را بکش.
- ۴۱ ۹. تسلیم مرجعیت نشو.
- ۴۴ ۱۰. دوستان سوپر مدل خود را در خانه رها کن.
- ۴۷ ۱۱. چرا یک نقشه‌ی غلط را به نبود نقشه ترجیح می‌دهیم؟
- ۵۰ ۱۲. چرا «تابرده رنج کنج میسر نمی‌شود» باید گوش‌های شما را تیز کند؟
- ۵۲ ۱۳. حتا داستان‌های واقعی هم افسانه‌اند.
- ۵۶ ۱۴. چرا باید دفترچه‌ی خاطرات داشت؟
- ۵۹ ۱۵. چرا مرتب دانش و توانایی‌هایت را دست‌بالا می‌گیری؟
- ۶۲ ۱۶. گویندگان خیر را جدی بگیر.
- ۶۴ ۱۷. کمتر از آن چیزی که تصور می‌کنی در اختیار توست.
- ۶۸ ۱۸. هیچ وقت به وکیل خود حقوق ساعتی ندهید.
- ۷۰ ۱۹. تأثیر شک بر انگیز پزشکان، مشاوران و روان‌پزشکان.

۲۰. هرگز تصمیمی را براساس نتیجه‌اش قضاوت نکن ۷۳
۲۱. کمتر بیشتر است ۷۶
۲۲. توبه من علاقه داری، واقعا به من علاقه داری ۷۹
۲۳. به هیچ چیز بیش از حد وابسته نباش ۸۲
۲۴. اجتناب ناپذیر بودن اتفاقات نامحتمل ۸۵
۲۵. فاجعه‌ی دنباله‌روی ۸۸
۲۶. چرا فوراً سراغ ریسک‌های میلیاردی می‌روی؟ ۹۱
۲۷. چرا آخرین شیرینی جعبه دهان تو را آب می‌اندازد؟ ۹۴
۲۸. وقتی صدای شم چهارپایان را می‌شنوی، منتظر گورخر نباش ۹۷
۲۹. چرا «نیروی متعادل‌کننده‌ی جهان» مزخرف است؟ ۱۰۱
۳۰. چرا گردونه‌ی شانس باعث می‌شود سر ما گیج برود؟ ۱۰۳
۳۱. چه‌طور مردم را از چند میلیون پول‌شان خلاص کنیم؟ ۱۰۶
۳۲. چرا بدبختی بزرگ‌تر از خوشبختی به‌نظر می‌رسد؟ ۱۰۸
۳۳. چرا تیم‌ها تبیل‌اند؟ ۱۱۱
۳۴. گیج شدن با یک برگ کاغذ ۱۱۴
۳۵. اشتیاق خود را مهار کن ۱۱۷
۳۶. هیچ‌وقت از یک نویسنده نپرس رمانش شرح حال خودش است یا نه ۱۲۰
۳۷. چرا نباید به لکلک اعتقاد داشته باشی؟ ۱۲۳
۳۸. هرکسی در اوج، زیبا به‌نظر می‌رسد ۱۲۶
۳۹. تیریک! برنده‌ی دولت روسی شدی ۱۲۹
۴۰. پیشگرویان فلاپی ۱۳۲
۴۱. فریب موارد خاص ۱۳۵
۴۲. مهم نیست چه می‌گویی، مهم این است که چگونه می‌گویی ۱۳۸
۴۳. چرا تماشا کردن و صبر کردن شکنجه است؟ ۱۴۱
۴۴. چرا تو یا راه‌حل هستی یا خود مشکل؟ ۱۴۴
۴۵. تقصیر من نبود ۱۴۷
۴۶. مراقب باش چه آرزویی می‌کنی ۱۵۰
۴۷. از موجودیت خودت شگفت‌زده نشو ۱۵۳
۴۸. چرا تجربه می‌تواند قضاوت ما را نابود کند؟ ۱۵۶
۴۹. وقتی همه چیز خیلی خوب شروع شده باشد، نگران باش ۱۵۸

مقدمه بر ترجمه‌ی فارسی

تصور کنید در زمین فوتبال هیچ خطایی اتفاق نمی‌افتاد. آن وقت واژه‌ای به نام پنالتی، اخطار و اخراج هم معنا نداشت. اشک‌ها و لبخندها محو می‌شدند و زیبایی فوتبال هم رنگ می‌باخت. آدم‌ها شبیه ربات‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای بودند که وظیفه‌شان بردن بدون کوچک‌ترین اشتباه بود.

حالا تصور کنید در این جهان پهناور که هزاران زمین فوتبال را در خود جای داده، قرار می‌شد هیچ انسانی دچار خطا و اشتباه نشود؛ آیا جهان بهتری داشتیم؟ جنگ‌افروزی‌ها به پایان می‌رسید؟ جرم و جنایت از صحنه‌ی روزگار محو می‌شد؟ انسان‌ها با همدیگر روابط بهتری برقرار می‌کردند؟ پاسخ به این پرسش‌ها و پیش‌بینی جهانی که هرگز تجربه‌اش نکرده‌ایم، کار دشواری است. اما قابل‌پیش‌بینی آن است که هر چه بیشتر خطاهای خود را بشناسیم، رویکرد بهتری به زندگی خواهیم داشت. از آن‌جا که خطاهای بشری در طول حیاتش از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند، امکان شناختن آن‌ها نیز امری ممکن است.

رولف دوبلی در این کتاب می‌کوشد براساس مطالعات، تحقیقات و تجربیات شخصی‌اش عمده‌ی این خطاها را شناسایی، بازخوانی و معرفی کند. همان‌گونه که خود در مقدمه‌ی کتابش ذکر می‌کند، فهرست خطاهایش کامل نیست و موارد دیگری را نیز می‌توان به آن افزود. او براساس مشاهدات علمی، نتایج آماری، استدلال‌ها و استنتاج‌های منطقی (در حوزه‌ی علوم اجتماعی)، با ذکر مثال‌ها و نمونه‌های ملموس، جهان‌بینی خود را درباره‌ی خطاهای شناختی مطرح می‌کند.

به تأیید نویسنده، این کتاب کلید یافتن شادمانی و مسیرهای منتهی به خوشبختی و موفقیت نیست، تلقی و برداشت من این است که محتوای آن بیانگر نگرشی متفاوت به عملکرد انسانی ماست؛ یک شوک خلاقانه به ذهن در جهت زدودن انباشت‌های زایدش، شناسایی پیش‌فرض‌های ساختگی، اشتباهات متداول و موقعیت‌های کاذبی که به واسطه‌ی خطاهای ذهنی دچارش می‌شویم. کاوشی است در شناخت واضح‌تر خطاهای انسانی که در زندگی، کارکردهای متفاوت و بعضاً متضادی دارد. برخی از آن‌ها انسان را از خطر نابودی نجات می‌بخشد و برخی دیگر مانع از خردورزی و شفاف‌اندیشی‌اش می‌شود. درک فرایند اندیشیدن و دام‌هایی که ذهن بر سر راهش قرار می‌دهد، کار ساده‌ای نیست و بی‌سبب نیست رولف دوبلی کتابش را هنر شفاف اندیشیدن نام نهاده است.

لازم می‌دانم از سهراب آگاه، دوست ارزشمندم، که بار دیگر مرا به ترجمه‌ی یک کتاب ترغیب کرد، سپاس‌گزاری کنم.

از دوستان عزیزم، بهزاد توکلی و علی شهروز، دو نخبه از شریفستان (۱) صمیمانه قدردانی می‌کنم که بی‌تردید، حضور و همراهی‌شان سبب شد در این مجال کوتاه ترجمه‌ی کتاب هنر شفاف اندیشیدن میسر شود.

و سپاس آخر از همه‌ی کسانی که به دنبال یافتن اندیشه‌ی شفاف، دل در گرو ساختن جهانی بهتر دارند.

مقدمه

در پاییز سال ۲۰۰۴، یکی از اشخاص بانفوذ رسانه‌ای در اروپا، من را به مونیخ دعوت کرد تا در جلسه‌ای با عنوان «تبادل غیررسمی افکار» شرکت کنم. هیچ‌وقت خودم را متفکر به حساب نمی‌آوردم؛ تحصیلات من در زمینه‌ی اقتصاد بود و این یعنی در واقع اصلاً متفکر نبودم. اما دورمان نوشته بودم و به گمانم به همان خاطر بود که چنین دعوت‌نامه‌ای دریافت کردم.

نسیم نیکولاس طالب^۱ هم پشت میز نشسته بود. در آن زمان، او یک تاجر گمنام در وال استریت بود که دستی هم در فلسفه داشت. من را به عنوان یکی از بزرگان روشنفکری انگلستان و اسکاتلند، به خصوص در باب فلسفه‌ی دیوید هیوم^۲، به او معرفی کردند. قطعاً مرا با کس دیگری اشتباه گرفته بودند. جا خورده بودم، ولی لبخندی تردیدآمیز در گوشه‌ی لبم بود و اجازه دادم سکوت، حاصل تأییدی باشد بر تخصص من در فلسفه. در همان لحظه، طالب صندلی را عقب کشید و تعارفم کرد. نشستیم. بعد از بحثی مختصر درباره‌ی هیوم، خوشبختانه صحبت به سمت وال استریت کشیده شد. ما از خطاهای اساسی مدیران اجرایی و رهبران تجاری در تصمیم‌گیری شگفت‌زده بودیم. درباره‌ی این‌که با نگاه به گذشته می‌توان متوجه شد وقایع غیرمنتظره بسیار محتمل به نظر می‌رسند صحبت

۱. Nassim Nicholas Taleb

۲. David Hume: فیلسوف اسکاتلندی قرن ۱۸ - م.

کردیم. درباره‌ی این که چرا سرمایه‌گذاران نمی‌توانند وقتی قیمت سهام‌شان از قیمت اولیه پایین‌تر می‌رسد، دل بکنند شوخی کردیم.

بعد از آن روز، طالب چند صفحه از یادداشت‌های خودش را برایم فرستاد، کتابی که مثل جواهر بود و من درباره‌ی آن نظر دادم و تا حدی نقدش کردم. این‌ها آغاز راه کتابی بود که در صدر جدول پرفروش‌های بین‌المللی قرار گرفت، قوی سیاه. در این بین، اشتهايم هم برانگیخته شد. شروع کردم به بلعیدن کتاب‌ها و مقالاتی که دانشمندان علوم شناختی و اجتماعی درباره‌ی موضوعاتی مثل «خطاها و ابتکارها» نوشته بودند. گفت‌وگوهای ایمیلی خود را با عده‌ی فراوانی از محققان گسترش دادم و از آزمایشگاه‌های آن‌ها بازدید کردم. تا سال ۲۰۰۹، فهمیده بودم که در کنار شغلم به عنوان رمان‌نویس، دانشجوی روان‌شناسی اجتماعی و شناختی هم شده‌ام.

ناتوانی در شفاف‌اندیشی — یا به قول متخصصان «خطای شناختی» — یک انحراف اصولی از منطق است، انحراف از افکار و رفتار بهینه، عقلانی و مستدل. منظور من از «اصولی» خطاهای گاه‌به‌گاه در تصمیم‌گیری نیست؛ بلکه منظور اشتباه‌های متداول و موانعی بر سر راه منطق ماست که دائماً ما را گرفتار می‌کنند: الگوهایی که نسل‌های گوناگون در قرون مختلف تکرار می‌کنند. مثلاً دست‌بالا گرفتن اطلاعات خودمان خیلی متداول‌تر از دست‌کم گرفتن‌شان است. یا خطر از دست دادن یک چیز خیلی بیشتر ما را برانگیخته می‌کند تا امکان به دست آوردن یک چیز مشابه. ما در حضور سایر افراد تمایل داریم رفتار خود را با اخلاق آن‌ها تنظیم کنیم، نه برعکس آن. حکایت‌ها باعث می‌شوند توزیع‌های آماری (نرخ پایه‌ی) پشت آن‌ها را نادیده بگیریم و نه بالعکس. خطاهای ما همیشه از الگوی مشابهی پیروی می‌کنند و مثل لباس‌های کثیف در یک گوشه جمع

آیا تابه حال...

زمان صرف چیزی کرده‌ای که در آینده احساس
کنی ارزشش را نداشته؟

پول زیادی برای خرید اینترنتی پرداخت کرده‌ای؟
به انجام کاری که می‌دانی برایت مضر است
اصرار کرده‌ای؟

سهام خود را خیلی زود یا خیلی دیر فروخته‌ای؟
موفقیت را نتیجه‌ی کار خود و شکست را نتیجه‌ی
تأثیر عوامل بیرونی دانسته‌ای؟
روی یک اسب به اشتباه شرط بسته‌ای؟

این‌ها نمونه‌هایی‌اند از خطاهایی که همه‌ی ما در
تفکر روزمره‌ی خود دچارشان می‌شویم. اما با
شناخت چیرستی آن‌ها و دانستن نحوه‌ی
شناسایی‌شان، می‌توانیم از آن‌ها دوری کنیم و
تصمیم‌های هوشمندانه‌تری بگیریم.



ISBN-13: 978-600-229-794-5

